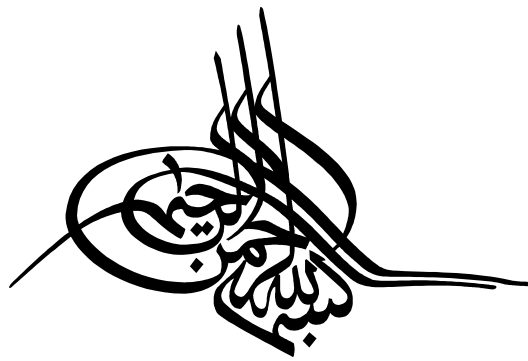




حقوق بین الملل عمومی

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم سیاسی

مؤلف: بهنام خسروی

سرسناده	خسروی، بهنام :
عنوان	: حقوق بین الملل عمومی ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۲۹۱ ص
فروست	: سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۶۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فنیای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۷۳۱۶۱



کتاب: حقوق بین الملل عمومی
مدیر مسئول: هادی سیاری، مجید سیاری
مولف: بهنام خسروی
ناشر: مشاوران صعود ماهان
مدیر تولید محتوا: سمیه بیگی
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۴
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۴/۸۳۰۰۰۰ ریال
شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۶۵-۵

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، مؤسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، گام مؤثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این مؤسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تألیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تألیفات ماهان برای سایر دانشجویان به‌صورت ذیل است.

● مجموعه کتاب‌های ۸ آزمون: شامل ۵ مرحله کنکور کارشناسی ارشد ۵ سال اخیر به همراه ۳ مرحله آزمون تألیفی ماهان همراه با پاسخ تشریحی می‌باشد که برای آشنایی با نمونه سوالات کنکور طراحی شده است. این مجموعه کتاب‌ها با توجه به تحلیل ۳ ساله اخیر کنکور و بودجه‌بندی مباحث در هریک از دروس، اطلاعات مناسبی جهت برنامه‌ریزی درسی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

● مجموعه کتاب‌های کوچک: شامل کلیه نکات کاربردی در گرایش‌های مختلف کنکور کارشناسی ارشد می‌باشد که برای دانشجویان جهت جمع‌بندی مباحث در ۲ ماهه آخر قبل از کنکور مفید است.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تألیفات ماهان نقش مؤثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تألیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

مقدمه مؤلف

مشنو از نی، نی حصیری بی‌نواست
نی چو سوزد تل خاکستر شود
بشنو از دل، دل حریم کبریاست
دل چو سوزد خانه دلبر شود

حمد و سپاس خداوند بی‌همتا را سزااست که رحمت خویش را بر سر بندگانش فرود می‌آورد. خدای را سپاس که توفیق این را داد که بتوانیم در راه اعتلا و کمک به جویندگان علم و دانش این سرزمین کهن گامی هر چند کوچک برداریم. مجموعه‌ای که پیش روی دارید دربرگیرنده مباحث مربوط به منبع آزمون کارشناسی ارشد تاریخ روابط بین‌الملل است، اگرچه به هیچ وجه ادعا نمی‌کنیم که این مجموعه دربرگیرنده تمامی منابع مربوط به این بخش است اما تلاش شده تا حدالمقدور به مباحث اساسی و مهم پرداخته شود. بر این اساس، این مجموعه خلاصه‌ای جامع از کتاب تاریخ روابط بین‌الملل دکتر نقیب‌زاده (منبع این سرفصل در آزمون کارشناسی ارشد) می‌باشد. این مجموعه در برگیرنده نکات تستی و تستهای تألیفی می‌باشد.

همچنین در پایان تعدادی از مهم‌ترین سؤالات آزمون‌های سراسری و آزاد آورده شده است. مجدداً تأکید می‌کنیم که علی‌رغم پوشش کامل کتاب دکتر نقیب‌زاده در این مجموعه، به دانشجویان عزیز توصیه می‌شود که جهت آمادگی کامل، صرف اتکا به این مجموعه کفایت نمی‌کند و داوطلبان عزیز را از مطالعه سایر کتب موجود بی‌نیاز نمی‌کند در نتیجه لزوماً باید دیگر منابع موجود را نیز مطالعه کنند.

امید است که توانسته باشیم با این مجموعه راه رسیدن به هدف والای تحصیل علم شما عزیزان را هموار کنیم. در پایان این مجموعه را به پاس زحمات بی‌دریغ پدر و مادرم که راه زندگی کردن را به من آموختند، تقدیم می‌کنم.

فصل اول

۱۱	- تعریف و مبانی حقوق بین الملل
۱۱	- خصوصیات حقوق بین الملل
۱۳	- رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی
۱۵	- سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل اول
۱۷	- پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل اول

فصل دوم

۲۱	- منابع حقوق بین الملل
۲۱	- معاهدات بین المللی
۲۳	- طبقه بندی معاهدات
۲۳	- آئین انعقاد معاهدات
۲۴	- مسأله اهلیت برای انعقاد معاهدات
۲۶	- آثار معاهدات
۲۸	- تفسیر معاهدات
۲۸	- اختتام معاهدات
۲۸	- بطلان معاهدات
۲۹	- فسخ معاهدات
۳۲	- عرف بین المللی
۳۳	- اصول کلی حقوقی
۳۳	- سایر منابع حقوق بین الملل
۳۴	- اعمال حقوقی یکجانبه
۳۶	- سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل دوم
۳۸	- پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل دوم

فصل سوم

۴۱	- تابعین حقوق بین الملل
۴۱	- دولتها
۴۶	- شناسائی دولتها و حکومتها
۴۹	- جانشینی دولتها (کشورها)
۵۱	- مسئولیت بین المللی
۵۲	- افراد
۵۴	- حمایت از طبقات مختلف
۵۷	- سایر تابعین حقوق بین الملل
۶۰	- سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل سوم
۶۲	- پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل سوم



فصل چهارم

- ۶۵-----دریاها و آبراههای بین‌المللی
- ۶۶-----نحوه تعیین حدود مناطق دریائی
- ۶۹-----مناطق مختلف دریائی
- ۶۹-----شرایط ورود کشتیهای خارجی به آبهای داخلی
- ۷۲-----دریای سرزمینی
- ۷۵-----منطقه نظارت
- ۷۶-----منطقه انحصاری اقتصادی
- ۷۷-----فلات قاره
- ۷۹-----دریای آزاد
- ۸۲-----منطقه میراث مشترک بشریت
- ۸۳-----حقوق آبراههای بین‌المللی
- ۸۴-----تنگه‌های بین‌المللی
- ۸۷-----سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل چهارم
- ۸۹-----پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل چهارم

فصل پنجم

- ۹۳-----حقوق بین‌المللی هوائی و فضائی
- ۹۳-----سیر تکاملی قواعد حقوق هوائی
- ۹۶-----حقوق بین‌الملل فضائی
- ۹۸-----سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل پنجم
- ۹۹-----پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل پنجم

فصل ششم

- ۱۰۳-----حقوق دیپلماتیک و کنسولی
- ۱۰۳-----بخش اول: حقوق دیپلماتیک
- ۱۰۷-----بخش دوم: حقوق کنسولی
- ۱۱۰-----سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل ششم
- ۱۱۲-----پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل ششم

فصل هفتم

- ۱۱۵-----مسئولیت بین‌المللی
- ۱۱۵-----مبنا و منشأ مسئولیت بین‌المللی
- ۱۱۸-----موجبات رافع مسئولیت بین‌المللی
- ۱۲۱-----سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل هفتم
- ۱۲۲-----پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل هفتم

فصل هشتم

- ۱۲۵-----فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی
- ۱۲۶-----روشهای سیاسی حل و فصل اختلافات بین‌المللی
- ۱۲۷-----روشهای حقوقی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی
- ۱۳۳-----سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل هشتم
- ۱۳۴-----پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل هشتم

فصل نهم

- ۱۳۷-----جنگ و توسل به زور در حقوق بین‌الملل

۱۳۷	منع توسل به زور و تحریم جنگ
۱۳۹	تعریف جنگ و عناصر سازنده آن
۱۴۰	حقوق جنگ
۱۴۱	سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل نهم
۱۴۲	پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل نهم
۱۴۵	سوالات چهار گزینه‌ای آزمون سراسری ۱۳۷۷-۱۴۰۳
۱۹۵	پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای آزمون سراسری ۱۳۷۷-۱۴۰۴
	منابع ۲۹۱

فصل اول

تعريف و مبانى حقوق بين الملل

عناوين اصلى

❖ خصوصيات حقوق بين الملل

❖ رابطه حقوق بين الملل با حقوق داخلى

فصل اول

تعریف و مبانی حقوق بین الملل

شاخه‌ای از علم حقوق که امروزه حقوق بین الملل نامیده می‌شود در طی تاریخ تحول خود به نامهای متفاوتی مرسوم بوده است. ریشه لغوی (حقوق بین الملل) را باید در کلمه لاتین *jus gentium* جستجو کرد. از جنبه‌ی تاریخی، برای نخستین بار، فیلسوف و حقوقدان مشهور هلندی گروسیوس در قرن هفدهم در کتاب خود تحت عنوان حقوق جنگ و صلح، قواعد و مقررات حقوق بین الملل را بیان داشته است. ولی اصطلاح حقوق بین الملل به شکلی که امروز بکار می‌رود برای نخستین بار توسط جرمی بنتام فیلسوف و حقوقدان انگلیسی در سال ۱۷۸۰ در کتاب خود موسوم به مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون ارائه شد. در تعریف حقوق بین الملل اختلاف نظر بین حقوق دانان وجود داشته است:

- ۱- دسته اول معتقدند که حقوق بین الملل تنها حاکم بر روابط بین دولتهاست مثل: تریل - آنزیلوتی - اوپنهایم و بریرلی
- ۲- دسته دوم که طرفداران مکتب جامعه‌شناسی حقوقی هستند تنها افراد را تابعین حقوق بین الملل دانسته مثل لئون دوگی و ژرژسل.
- ۳- دسته سوم معتقدند که تابعین اصلی حقوق بین الملل دولتها هستند ولی در کنار آنها دیگر موجودیتهایی نیز وجود دارند مثل افراد و سازمانهای بین المللی که می‌توانند تابعین حقوق بین الملل باشند. مثل فیور - کلسن - کاواریه - شارل روسو. کلسن حقوقدان اتریشی صراحتاً حقوق بین الملل را به دو قسمت تقسیم می‌کند:
الف) حقوق بین الملل عام ← اصول کلی ناظر بر روابط کلیه اعضای جامعه بین المللی است.
ب) حقوق بین الملل خاص ← قواعدی که صرفاً بین دو یا چند کشور اعمال می‌شود.
اوپنهایم حقوقدان انگلیسی حقوق بین الملل را به سه قسمت تقسیم می‌کند.
الف) حقوق بین المللی جهانی (ب) حقوق بین الملل عام (ج) حقوق بین الملل خاص

■ خصوصیات حقوق بین الملل

حقوق بین الملل بدلیل اینکه قواعد تشکیل دهنده آن پاسخگوئی نیازهای جامعه بین المللی نبوده و نیز متناسب با تحول این نیازها توسعه نیافته است ابتدائی و ناقص است این ضعف بنیادین سبب شده که حقوق بین الملل نتواند اهداف از پیش تعیین شده خود یعنی حفظ صلح و امنیت و همچنین همکاری بین المللی را محقق سازد.

عللی که می‌توان برای ضعف حقوق بین الملل برشمرد:

- ۱- عدم برخورداری از نهادهای سازمان یافته و روشهای حقوقی لازم موجب شده است حقوق بین الملل نتواند خود را با تحولات جامعه بین المللی و نیازهای آن وفق دهد.
- ۲- حقوق بین الملل عمومی با مشکل سازش قواعد بین المللی و داخلی روبرو است.
- ۳- ضعف دیگر ناشی از شرکت و تنوع موضوعات مطروحه و تحولات سریع قواعد این رشته از علم حقوق است.

مبانی حقوق بین‌الملل

در دکتترین کلاسیک، دو جریان فکری مختلف در ارتباط با اساس و مبنای حقوق بین‌الملل مطرح شده است:

۱- مکتب حقوق وضعی یا ارادی

به اعتقاد پیروان این مکتب، منشأ حقوق را باید در بیان یک اراده جستجو کرد. براین پایه، حقوق بین‌الملل بر اراده دولتها استوار است. پیشکسوتان این نظریه موزر و دومارتنس می‌باشند.

* بینکرشوک هلندی اولین حقوق‌دان بین‌المللی طرفدار این مکتب است.

- طبق این نظریه حقوق بین‌الملل حالتی اثباتی و عملی دارد.

- طبق این نظریه، قدرت الزام‌آور و اجرائی حقوق بین‌الملل با منافع کشورها ارتباط مستقیم دارد.

- این نظریه خود دارای گرایش‌های مختلف زیر است:

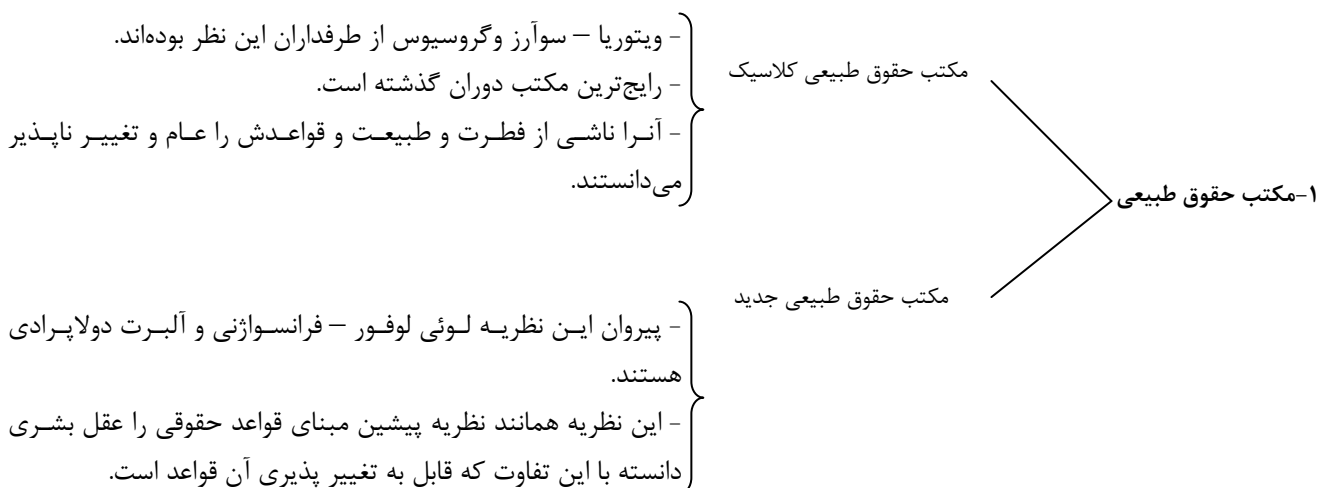
(الف) گرایش تحدید ارادی: یلی‌نک و ایهرینگ این نظریه را ارائه داده‌اند. یلی‌نک می‌گوید هر موقع که تنظیم یک قاعده حقوق بین‌الملل ضرورت داشته باشد باید موافقت صریح دولتها اساس و مبنای آن باشد.

(ب) گرایش اراده مشترک: این نظریه مربوط به حقوق‌دان آلمانی تری‌پل می‌باشد می‌گوید اراده یک دولت در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل کافی نیست و آن قواعد باید متکی بر اراده مشترک چند یا چندین دولت باشند.

(ج) مکتب حقوق وضعی جدید: این مکتب را آنزیلوتی حقوق‌دان ایتالیائی در اوائل قرن بیستم ارائه کرده است. نظریه حقوق وضعی جدید، مکتب کامل و مستقلى است که تمامی ارتباط خود را با حقوق طبیعی قطع کرده است. آنزیلوتی منشأ اصلی حقوق را اراده دولتها ندانسته، بلکه آنرا ناشی از مقتضیات زندگی اجتماعی می‌داند.

مکتب حقوق موضوعی:

طبق مکتب حقوق موضوعی مبنای حقوق بین‌الملل خارج از اراده بشری و مستقل از اراده دولتهاست. ثبات و استحکام و هم‌چنین قدرت الزام‌آور قواعد حقوقی توسط اصول و واقعیاتی است که خارج از اراده دولتها بوده و مورد پذیرش آنها واقع شده است. درباره غیرارادی بودن قواعد حقوق بین‌الملل نظریات مختلفی ارائه شده است که اهم آنها عبارتند از:



۲- مکتب قاعده‌گرایی: هانس کلسن حقوق‌دان اتریشی بانی نظریه محض حقوقی و بنیانگذار مکتب وین، علم حقوق را بطور کلی علم وظیفه می‌داند و هدف حقوق را تعیین وظایف و تکالیف افراد و اجتماعات می‌داند. به عقیده وی ارزش و اعتبار و آمریت هر قاعده بستگی به قاعده بالاتر از خود دارد تا جایی که در راس کلیه قواعد، یک قاعده اصلی به نام قاعده بنیادین قرار گرفته است. بدون وجود قاعده بنیادین نظام حقوقی شکل نمی‌گیرد. در نظام حقوقی کلسن، قاعده بنیادین اصل وفای به عهد است.

۳- مکتب جامعه‌شناسی حقوقی: لئون دوگی و ژرژسل از نظریه‌پردازان این مکتب هستند.

دوگی با تکیه بر اصل همبستگی اجتماعی معتقد است که حقوق (داخلی و بین المللی) ناشی از زندگی اجتماعی و ضروریات زندگی در جامعه است.

- ژرژسل می گوید حقوق مربوط به اجتماع و ناشی از آن است و اعضای جامعه بین المللی بوسیله دو اصل مهم به هم مربوط می شوند.

۱- اصل همبستگی مبتنی بر تشابه

۲- اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار (عدم تشابه)

رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی:

آنچه در این قسمت مورد بررسی قرار می گیرد، تبیین مناسبات حقوق بین الملل و حقوق داخلی از حیث شکلی است و آن نیز مستلزم تشریح مباحث از دو دیدگاه است: یکی دیدگاه نظری و دیگری دیدگاه عملی مطالعه نظریات نشان می دهد که موضوع مناسبات میان حقوق بین الملل و حقوق داخلی، وابستگی تام و کامل به مبانی حقوق بین الملل دارد.

در زمینه نظری اصولاً سه دیدگاه مطرح شده است:

(الف) نظریه دوگانگی حقوقی (دوآلیسم)

(ب) نظریه یگانگی حقوقی (مونیسیم)

(ج) نظریه معاصر

(الف) نظریه دوگانگی حقوقی: طبق این نظریه حقوق بین الملل و حقوق داخلی دو نظام حقوقی برابر، مستقل و مجزا از یکدیگرند. طرفداران حقوق ارادی (وضعی) بدلیل قرار دادن اراده دولتها قائل به تفکیک آن دو بوده. تری پل- آنزیلوتی و اوپنهایم از پیروان این نظریه به شمار می روند.

نظریه دوگانگی حقوقی نتیجه منطقی تفاوت های بنیادینی است که میان حقوق بین الملل و حقوق داخلی دیده می شود. این تفاوتها از جهات زیر است:

مبانی، منابع، تابعان، خصوصیت و ساختار حقوقی، اعتبار قواعد و پذیرش

(ب) نظریه یگانگی حقوقی (مونیسیم): پروفیسور کلسن اولین کسی است که به نظریه یگانگی حقوقی نمادی علمی بخشید. این نظریه با تکیه بر اصل تبعیت قائل به وجود سلسله مراتب حقوقی بوده بعضی از اصول حقوقی را تابع بعضی دیگر می داند. نحوه ارتباط حقوق داخلی با حقوق بین الملل نزد پیروان نظریه مونیسیم یکسان نیست برخی از آنان همچون دوگی، پولیتس، ژرژسل و کلسن قائل به برتری و رجحان حقوق بین الملل هستند و برخی دیگر همچون کوفمن، ونزل، یلی ئک و ایهرینگ بر رجحان حقوق داخلی تأکید می ورزند.

- دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوقی با تقدم حقوق بین الملل از چند لحاظ می باشد:

(الف) از لحاظ هدف

(ب) از حیث ارزیابی

(ج) از لحاظ مسئولیت بین المللی دولتها

(د) از نظر تعیین حدود مرزی کشورها

- دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوقی با تقدم حقوق داخلی:

(الف) از حیث تاریخی

(ب) از حیث خصوصیت و ساختار حقوقی

(ج) از نظر منطقی

(د) از حیث برتری قانون اساسی بر تعهدات بین المللی

(ج) نظریه معاصر: این نظریه توسط مکلم شاو حقوق دان انگلیسی ارائه شد. این نظریه قائل به برتری نظام حقوق داخلی بر حقوق بین الملل و یا برعکس نیست و هرکلام را در حوزه خود برتر می داند. آنچه ممکن است اتفاق بیافتد، تعارض تعهدات دولتهاست، یعنی دولت در حوزه داخلی خود بر طبق تعهدات خود براساس حقوق بین الملل عمل نکند.

در این گونه موارد موضع داخلی تحت تاثیر حقوق بین الملل قرار نمی گیرد، اما دولت در عملکرد بین المللی خود یک قاعده حقوق بین الملل را نقض کرده است، بنابراین چاره کار اقدام در زمینه بین المللی است، چه از طریق سیاسی و چه از طریق قضائی.

■ دیدگاه عملی

منظور از دیدگاه عملی، نگرش دادگاههای بین المللی و کشورها به موضوع مناسبات حقوق بین الملل و حقوق داخلی در عمل است. - رویه قضائی قائل به برتری حقوق بین الملل است. مثل نظریه مشورتی دیوان دائمی دادگستری در قضیه مبادله اتباع یونانی و ترک ۱۹۲۵.

- پیشرفت تدریجی و مترقیانه نظامهای حقوقی کشورها بیشتر به سمت سوی پذیرش یگانگی حقوقی با برتری و تقدم حقوق بین الملل است.

- در قانون اساسی آمریکا کلیه معاهدات آمریکا، قانون برتر این سرزمین هستند.

- بر طبق موضع دیوان عالی فدرال مصوبه کنگره ارزش برابر با معاهده بین الملل دارد.

- طبق رویه قضایی دادگاههای آمریکا، حقوق بین الملل عرفی بخشی از حقوق ایالات متحده محسوب می شود.

- رویکرد دیوان عالی فدرال در مورد حقوق بین الملل عرفی: در صورت تعارض حقوق داخلی با قوانین عرفی بین الملل برتری با قاعده موخر است.

- در نظام حقوقی انگلستان، حقوق بین الملل بخشی از حقوق داخلی است.

- در نظام حقوقی انگلستان، در صورت تعارض صریح قوانین داخلی با حقوق بین الملل عرفی، اراده پارلمان مرجع است. در نظام حقوقی انگلستان، در صورت تعارض صریح قوانین داخلی با حقوق بین الملل معاهدات، برتری با حقوق بین الملل است.

- نظام حقوقی آلمان تحت تاثیر شدید نظریه یگانگی حقوقی با برتری حقوق بین الملل، بازگو کننده بهترین و جامع ترین مقررات حقوقی در جهت اعتلای جایگاه حقوق بین الملل است.

- بر طبق ماده ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، معاهده بین المللی در حکم قانون عادی است.

- مسئله تساوی اعتبار حقوق داخلی و بین المللی در نظام حقوقی ایران، محدود به حقوق بین الملل معاهده ای است.

- در نظام حقوقی نیکاراگوئه، رجحان حقوق داخلی بر بین المللی مشهود است.



نکات کلیدی فصل اول

- منشاء حقوق بین الملل جدید به زمان تشکیل دولتهای جدید در اروپا برمی گردد.
- نویسنده کتاب دریای آزاد گروسیوس بود.
- نخستین استاد جهانی حقوق بین الملل پوفندر ف بود.
- وائل طرفدار برجسته اولیه مکتب گروسیوسی بود.
- در سده هفدهم واژه حقوق بین الملل در مفهوم و مقصودش تخصصی شد
- هوگو گروسیوس عموماً بعنوان پدر حقوق بین الملل معرفی شده است.
- پوزیتیویست ها عقیده داشتند که ریشه راستین حقوق موضوعه ملتها در عرف و معاهدات و از همین رو در رضایت دولتها قرار دارد.
- مهمترین عامل پیروی و رعایت قوانین بین المللی از طرف دولتها زینهای مصلحت آمیز می باشد.
- برجسته ترین پوزیتیویست حقوقدانان نامدار هلندی، بینکر شوک بود.



سؤالات چهارگزینه‌ای تالیفی فصل اول

- ۱- کدام شخصیت را بعنوان پدر حقوق بین الملل لقب داده اند؟
 (۱) هوگو گروسیوس (۲) جان سلدن (۳) کانت (۴) هانس کلسن
- ۲- از جهت مبنا و ماهیت حقوق به دو شاخه زیر تقسیم گردیده است:
 (۱) حقوق داخل و خارجی (۲) حقوق طبیعی و حقوق وضعی
 (۳) حقوق الهی و حقوق عرفی (۴) همه موارد.
- ۳- مکتب « ثنویت » یا Dualism در حقوق بین الملل معتقد است:
 (۱) بین حقوق ملی و حقوق بین المللی نباید اختلاف کرد.
 (۲) تفاوتی میان حقوق داخلی و خارجی نیست
 (۳) منشأ حقوق داخلی و بین المللی یکی است.
 (۴) هیچکدام
- ۴- گرایش تجدید ارادی از سوی چه کسانی ارائه شد؟
 (۱) لئون دوگی و ژرژسل (۲) یلی نک و ایهرینگ (۳) هانس کلسن و ژرژسل (۴) اپنهایم و برابرلی
- ۵- حقوق بین المللی عمومی ناظر بر روابط بین:
 (۱) دولتها و افراد کشورهای بیگانه است (۲) دولتها و سازمانهای بین المللی است
 (۳) اشخاص و نهادهای حقوقی است (۴) همه موارد
- ۶- نظریه « مونیسیم » (وحدت) عبارت است از اینکه:
 (۱) هیچ نوع سلسله مراتبی در حقوق وجود ندارد.
 (۲) حقوق داخلی و حقوق بین المللی در قلمرو کاملاً جداگانه می باشند.
 (۳) در نظام حقوق یک نوع سلسله مراتب وجود دارد که مبنا و منشأ آن برای حقوق داخلی و بین المللی یکی است.
 (۴) بین حقوق بین المللی خصوصی و عمومی تفاوتی وجود ندارد.
- ۷- مکتب حقوق طبیعی حقوق بین المللی را:
 (۱) خارج از اراده دولتها می دانند (۲) در قلمرو الهیات، فعل و اخلاق می دانند
 (۳) شامل اصول و قواعد جهانی، ضروری را تغییر می دانند (۴) همه موارد
- ۸- از نظر پیروان مکتب حقوق وضعی منشأ حقوق بین الملل چیست ؟
 (۱) اراده تابعین حقوق بین الملل (۲) اراده افراد
 (۳) اراده دولتها (۴) اراده دولتها و سازمانهای بین دولتی
- ۹- پیروان مکتب حقوق طبیعی جدید، مبانی قواعد حقوقی را چه می دانند ؟
 (۱) عقل بشری (۲) فطرت انسانی
 (۳) برحسب مورد، عقل بشری و تعالیم الهی (۴) تعالیم الهی
- ۱۰- اصطلاح « حقوق بین المللی » برای نخستین بار توسط چه کسی ارائه شد ؟
 (۱) گروسیوس (۲) اپنهایم (۳) جرمی بنتام (۴) پاسکال فیور
- ۱۱- چه کسی بانی « نظریه محض حقوق » بوده است ؟
 (۱) دولاپرادل (۲) لوئی لوفور (۳) کلسن (۴) آنرپلوتی
- ۱۲- لوئی لوفور و فرانسواژنی و دولاپرادل پیروان کدام نظریه حقوقی بوده اند ؟
 (۱) حقوق طبیعی جدید (۲) حقوق طبیعی کلاسیک (۳) قاعده گرائی (۴) جامعه شناسی حقوقی

۱۳- چه کسی نظریه «اراده مشترک» را عنوان کرد؟

(۱) تری پل (۲) ایهرینگ (۳) کلسن (۴) لوئی لوفور

۱۴- نخستین استاد جهانی حقوق بین‌المللی بود ؟

(۱) گروسیوس (۲) کلسن (۳) پوفندر ف (۴) اپنهایم

۱۵- کدام یک از دانشمندان زیر از پیروان نظریه مونیسم بوده اند ؟

(۱) ملکم شاو (۲) ژرژسل (۳) تری پل (۴) اپنهایم



-تألیفی-

- ۱- گزینه ۱ صحیح است.
- ۲- گزینه ۲ صحیح است.
- ۳- گزینه ۱ صحیح است.
- ۴- گزینه ۲ صحیح است.
- ۵- گزینه ۴ صحیح است.
- ۶- گزینه ۳ صحیح است.
- ۷- گزینه ۴ صحیح است.
- ۸- گزینه ۳ صحیح است.
- ۹- گزینه ۱ صحیح است.
- ۱۰- گزینه ۳ صحیح است.
- ۱۱- گزینه ۳ صحیح است.
- ۱۲- گزینه ۱ صحیح است.
- ۱۳- گزینه ۱ صحیح است.
- ۱۴- گزینه ۳ صحیح است.
- ۱۵- گزینه ۲ صحیح است.

منابع حقوق بین الملل

عناوین اصلی

- ❖ معاهدات بین المللی
- ❖ طبقه بندی معاهدات
- ❖ مفهوم حق شرط
- ❖ آثار معاهدات
- ❖ اصول کلی حقوقی

فصل دوم

منابع حقوق بین الملل

در حقوق بین الملل موضوعه (همچون حقوق داخلی موضوعه) آنچه مورد بررسی واقع می شود، منابع مشکلی است که در این فصل بدان پرداخته می شود.

امروزه بخش عمده و اصلی منابع حقوق بین الملل در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری متجلی است، بدون آنکه در این ماده ذکر از واژه منابع شده باشد. طبق ماده ۳۸، منابع حقوق بین الملل عبارتند از:

معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی. تصمیمات قضائی بین المللی و دکترین منحصرأ راههای فرعی تعیین قواعد حقوقی هستند، نه در زمره منابع اصلی حقوق بین الملل.

امروزه ماده ۳۸ اساسنامه دیوان، تصویر کاملی از منابع حقوق بین الملل را ترسیم نمی کند، بلکه اصل انصاف، اعمال حقوقی یک جانبه کشورها و سازمانهای بین المللی و قواعد آمره نیز هر کدام در تنظیم حقوقی روابط بین الملل موثرند.

در مجموع و منصرف از دیدگاه دیوان بین المللی دادگستری و با در نظر گرفتن کلیه منابع حقوق بین الملل، می توان در مورد سلسله مراتب منابع حقوق بین الملل به نتایج زیر دست یافت:

- قواعد آمره در راس سلسله مراتب حقوق بین الملل قرار می گیرند و بعد از آنها معاهدات عام و عرفهای عام و سپس معاهدات خاص و عرفهای خاص و در نهایت، اصول کلی حقوقی قرار دارند.

■ معاهدات بین المللی

معاهدات بین المللی، بعنوان مهمترین منابع حقوق بین الملل، فعالیت کشورها و سازمانهای بین المللی را در صحنه بین الملل شکل می دهند.

تعریف معاهده بین المللی: معاهده، هرگونه توافق منعقد کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین الملل (کشورها و سازمانهای بین المللی) است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین الملل تنظیم شده و این مقررات بر آن توافق حاکم باشد و در نتیجه، آثار حقوقی مشخصی به بار آورد.

خصوصیات معاهدات بین المللی:

۱- معاهده بین المللی حاصل توافق (بین المللی) اراده هاست

۲- معاهده بین المللی سندی است که ایجاد تکلیف می کند:

هر توافق بین المللی را نمی توان معاهده بین المللی دانست مگر آن دسته از توافق نامه هایی که تکلیف حقوقی ایجاد کنند.

۳- معاهده بین المللی صرفاً ناشی از اراده تابعین حقوق بین الملل (یعنی دولتها و سازمانهای بین المللی و یا سازمانهای بین المللی با یکدیگر) است. بنابراین اسناد زیر در زمره معاهدات بین المللی به شمار نخواهند آمد.

الف) موافقتنامه‌هایی که بین اشخاص خصوصی یا موافقتنامه‌هایی که بین یک دولت و یک شخص خصوصی منعقد شده باشد.
ب) اعمالی که برای دولتها ایجاد تعهد حقوقی نمی‌کند ولی می‌تواند بیانگر توافق سیاسی دولتمردان باشد. مثال بارز این قبیل توافق‌ها، موافقتنامه‌های نزاکتی یا اخلاقی (General Agreement) می‌باشد که فاقد آثار حقوقی الزام‌آور است و صرفاً تعهد اخلاقی ایجاد می‌کند.

این توافقات تابع اصل وفای به عهد (pacta sunt servanda) نیست و رعایت مفاد آنها بستگی به حسن نیت و اراده دولتها دارد.
ج) اسناد همکاری بین دستگاههای اداری و اجرائی و سازمانهای غیرمتمرکز دولتی با دولت دیگر.

۴- معاهده بین المللی تابع مقررات حقوق بین الملل است.

۵- معاهده بین المللی بصورت کتبی تنظیم می‌شود.

۶- معاهده بین المللی می‌تواند عناوین مختلفی داشته باشد.

وجه افتراق بین معاهده و موافقتنامه:

وجه افتراق بین معاهده و موافقتنامه بین المللی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱- تفاوت از حیث اطراف سند

معاهده صرفاً بین تابعین فعال حقوق بین الملل (دولتها و سازمانهای بین المللی) است اما موافقتنامه بین المللی به مفهوم عام کلمه مقید به چنین شرطی نیستند. بعنوان مثال موافقتنامه‌های منعقد بین دولتها و شرکتهای تجاری خارجی موافقتنامه بین المللی به شمار می‌آیند، لیکن معاهده محسوب نخواهند شد.

۲- تفاوت از حیث موضوع:

موضوع معاهدات بین المللی معمولاً به قواعد بنیادین جامعه بین المللی مربوط می‌شود (مانند قواعدی که در عهدنامه ۱۹۵۸ ژنو راجع به حقوق دریاها یا عهدنامه‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ راجع به روابط دیپلماتیک و کنسولی آمده است) در حالیکه موافقتنامه‌های بین المللی در ارتباط با مسائل سیاسی، تجاری، فرهنگی و... بین دو یا چند کشور منعقد می‌گردد.

۳- تفاوت از حیث تشریفات انعقاد:

برای لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه‌های بین المللی امضای قوه مجریه کفایت می‌کند و امضاء به تنهایی باعث لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه می‌شود. اما بطور کلی معاهده تنها با عمل تصویب قدرت حقوقی می‌یابد.

۴- تفاوت از حیث شکل سند:

نحوه تنظیم مقررات یک معاهده بین المللی معمولاً بدین شکل صورت می‌گیرد که در ابتدا یک مقدمه و سپس مواد مختلف آن با ترتیب شماره گذاری آورده می‌شود، لیکن موافقتنامه‌های بین المللی مشتمل مواد مختلف نیستند بلکه از چندین پاراگراف بدون شماره گذاری تشکیل می‌شود.

نکته: دومینیک کارو با اعتقاد به اثر حقوقی موافقتنامه‌های نزاکتی آنها را به سه دسته می‌کند:

۱- موافقتنامه‌های نزاکتی سیاسی

۲- موافقتنامه‌های نزاکتی تفسیری

۳- موافقتنامه‌های نزاکتی اجرایی قاعده ساز

طبقه بندی معاهدات

معاهدات بین المللی را از نظر ماهوی یا محتوای آنها به معاهدات قانون ساز یا عام و معاهدات قراردادی یا خاص طبقه بندی می کنند.

۱- معاهدات عام یا قانون ساز:

- اینگونه معاهدات، اراده های مشترک اطراف خود را به گونه ای همساز، وحدت می بخشند و در نتیجه، موجد قواعد حقوقی عام بین المللی می شوند.

- معاهدات قانون ساز یا عام متضمن قواعد اساسی بوده، در حکم قوانین بین المللی به شمار می آیند و رعایت آنها برای کلیه کشورها و سازمانهای بین المللی - اعم از متعاقد و غیرمتعاقد - لازم الاجرا است.

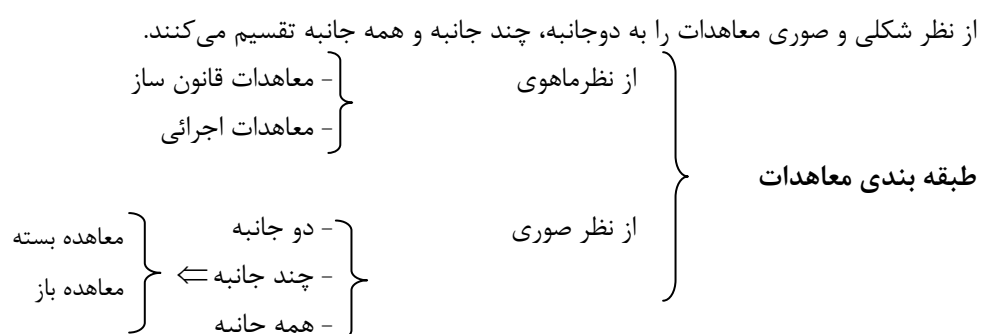
- این دسته از معاهدات، معمولاً چند جانبه اند اما استثنائاً ممکن است برخی از معاهدات دوجانبه نیز در شمار معاهدات قانون ساز باشند مثل معاهدات مرزی، بی طرفی و انتقال اراضی.

- از جمله معاهدات قانون ساز عبارتند از: میثاق جامعه ملل، منشور ملل متحد، عهد نامه های چهار گانه ژنو ۱۹۴۹ در زمینه حقوق بشر دوستانه.

۲- معاهدات قراردادی:

بر خلاف معاهدات قانون ساز، که در نظر دارد قاعده حق را بر قرار کند، معاهدات قراردادی یا اجرایی به اعمال و افعال حقوقی تحقق می بخشند. این گونه معاهدات روابط اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره دو یا چند کشور را تنظیم می کنند و صرفاً برای عاقدین آن تعهد ایجاد می کنند.

تقسیم معاهدات از لحاظ شکلی و صوری:



آئین انعقاد معاهدات:

برای تهیه و تنظیم معاهدات مراحل مختلفی لازم است. این مراحل از یک سو به نوع معاهده و از سوی دیگر به تعداد طرفهای معاهده بستگی دارد اما در مجموع می توان مراحل مشترک انعقاد معاهدات را به ترتیب اولویت مذکور در ذیل برشمرد.

۱- مذاکره ۲- نگارش و امضای معاهده ۳- تصویب معاهده ۴- مبادله یا تودیع اسناد تصویب.

مذاکره: این مرحله صرفاً شامل گفتگوهای منظم و رودرو نیست بلکه شامل کلیه مکاتبات و مبادله ی یادداشت ها و حتی تماسهای تلفنی نیز می شود.

نگارش: مذاکره منتهی به نگارش متن می شود که یک کار کارشناسی است. یکی از موضوعاتی که در فرایند نگارش معاهده از اهمیت بسزایی برخوردار است مسئله زبان معاهده است، یعنی اینکه معاهده باید به چه زبانی نگارش شود.

در نگارش ابتدا یک مقدمه را می نویسند که رعایت آن به اندازه مفاد مقررات آن معاهده الزامیست.

در نگارش معاهدات دو چیز حائز اهمیت است: نامگذاری معاهده، انتخاب واژه ها و انتخاب زبان.

امضای معاهده: پس از تهیه و تنظیم متن معاهده، نوبت به امضای معاهده می رسد، اثر حقوقی امضاء در معاهدات گوناگون متفاوت است. در معاهدات ساده و اجرائی یا قراردادی امضای معاهدات به منزله تصویب است، این امضاء تجلی رضایت به ملتزم شدن

نسبت به آن معاهده و دارای اثر حقوقی چون تصویب یا تصدیق است. اما در معاهدات قانون ساز و رسمی امضای معاهده فاقد اثر حقوقی است و باید عمل تصویب نیز صورت بگیرد.

تصویب معاهده

تصویب، عمل حقوقی یک جانبه‌ای است که موخر بر امضاست و بوسیله آن مقامات عالی یک کشور که طبق حقوق عمومی داخلی آن کشور (معمولاً قانون اساسی) دارای صلاحیت انعقاد معاهدات بین‌المللی هستند، معاهده تهیه و امضا شده توسط نمایندگان تام‌الاختیارشان را تایید و تصدیق نموده و به اینکه معاهده قطعی و لازم‌الاجرا گردد رضایت می‌دهند.

- تصویب یا تصدیق رسمی تنها در صورتی الزام‌آور است که طرفین واقعاً قصد انعقاد یک معاهده رسمی را داشته باشند.
- عمل تصویب موجب تمایز موافقت‌نامه‌های ساده یا اجرائی از معاهدات رسمی می‌شود.
- خصیصه بارز تصویب، ارادی یا اختیاری بودن آن است.

مبادله یا تودیع اسناد تصویب:

مبادله یا تودیع اسناد تصویب، ضمن آنکه یکی از مراحل انعقاد معاهدات چندجانبه است، یکی از اشکال رضایت یا حاکمی از رضایت کشورها یا سازمانهای بین‌المللی به التزام در قبال معاهده نیز هست و این عمل، برعکس عمل تصویب، نیاز به تصریح در معاهده و یا نوع دیگری از توافق طرفهای معاهده ندارد.

- مبادله یا تودیع اسناد تصویب برعکس عمل تصویب که دارای ماهیتی داخلی است، دارای ماهیت و هویتی بین‌المللی است.

رضایت به التزام در قبال یک معاهده:

مواد ۱۰ تا ۱۸ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ (که راجع به معاهدات بین‌المللی بین دولتهاست) مقرراتی را در زمینه التزام‌آور بودن معاهدات پس از مرحله امضاء وضع کرده است. ماده ۱۱ عهدنامه وین بیان می‌کند: رضایت دولت به التزام در قبال یک معاهده از طریق امضاء، مبادله اسناد تشکیل‌دهنده یک معاهده، تصویب، پذیرش، تأیید، الحاق یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می‌شود.

- لزوم ثبت و انتشار معاهدات در حقوق بین‌الملل، برای اولین بار با گنجانیدن موضوع در ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل، وارد حقوق بین‌الملل موضوعه گردید.
- مسئله ثبت معاهدات یکی از نوآوریهای حقوق معاهدات بوده و سابقه‌ای در حقوق داخلی کشورها نداشته است.

مسئله اهلیت برای انعقاد معاهدات:

۱- دولتها:

از نظر کنوانسیون وین ۱۹۶۹ تنها دولتها اهمیت انعقاد معاهدات را داشته و مشمول مقررات کنوانسیون حقوق معاهدات می‌شوند. علاوه بر دولتها، مسئله اهمیت سایر تابعین حقوق بین‌الملل با ویژگیهای خاص مطرح می‌شود که ذیلاً به آنها می‌پردازیم.

۲- سایر تابعین حقوق بین‌الملل با شکل خاص

مسئله سریر مقدس (saint- siege) یا واتیکان مثال بارز یکی از تابعین حقوق بین‌الملل است که از ویژگی و شکل خاصی برخوردار است. رویه و عملکرد ثابت و مستمر کشورها گویای این امر است که واتیکان می‌تواند طرف معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی قرار بگیرد.

تابعین حقوق بین‌الملل با شکل خاص عبارتند از: دولتهای در تبعید، شورشیان یا متخاصمین شناسائی شده از سوی یک یا چند کشور، نهضت‌های آزادیبخش ملی و...

تابعین حقوق بین الملل با اهمیت محدود می توانند به عنوان (ناظر) در کنفرانسهای مربوط به تنظیم معاهدات در سازمانهای بین الملل شرکت کنند ولی به هیچ وجه نمی توانند طرف معاهدات قرار گیرند.

۳- حکومتیهای عضو در یک کشور فدرال:

در طرحی که کمیسیون حقوق بین الملل به کنفرانس وین ارائه داده بود، حکومتهای عضو یک اتحادیه فدرال می توانستند اهمیت انعقاد معاهدات را داشته باشند مشروط به این که این اهمیت در قانون اساسی کشور فدرال و در حدود تعیین شده آن، مورد شناسائی قرار گرفته باشد.

۴- سازمانهای بین المللی:

با توجه به این که کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات به دولتها اختصاص داشت، دیری نپائید که کنوانسیون خاصی برای معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین المللی و یا بین سازمانهای بین المللی در ۱۹۸۶ در وین به تصویب رسید.

مفهوم حق شرط

از نظر حقوق معاهدات، حق شرط به اعلامیه یک جانبه ای گفته می شود که هر کشور یا سازمان بین المللی تحت هر نام و به هر عبارت، به هنگام امضاء، تصویب، قبولی، تصدیق معاهده، تأیید رسمی یا الحاق به معاهده و یا صدور اعلامیه جانشینی کشورها بر معاهدات - معمولاً چندجانبه - صادر می کند و بوسیله آن قصد خود را دایر بر عدم مشمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می دارد.

- اهمیت عبارت بیانیه یکجانبه در این است که ماهیت حقوقی حق شرط را روشن کرده و آن را از قید شرط تفکیک می کند.
- حق شرط زمانی ایجاد می شود که یک اعلامیه یکجانبه از سوی دولت شرط کننده صادر شود و سپس یک یا چند طرف دیگر معاهده آن را بطور ضمنی یا صریح بپذیرد. اعلامیه یکجانبه دولت شرط کننده قبل از پذیرش از سوی برخی طرفهای معاهده فاقد اثر حقوقی است و پس از پذیرش بر روابط بین دولت شرط کننده و دولت پذیرنده شرط اثر می گذارد.

تفاوت حق شرط با قید شرط:

قید شرط، شروطی است که در حین مذاکره در متن نهائی معاهده گنجانده می شود در حالیکه حق شرط، شروطی است که هنگام امضاء، تصویب، یا پذیرش از سوی برخی از اعضا به سایرین اعلام می شود.

حق شرط بر انواع معاهدات:

حق شرط در پذیرش معاهدات قانون ساز دو جانبه و معاهدات قراردادی دو جانبه اصولاً تحقق نمی پذیرد، زیرا این عمل بطور یکجانبه منجر به تغییر دامنه شمول معاهده می شود. پذیرش اعمال حق شرط بر معاهدات قانون ساز چندجانبه و معاهداتی که دربردارنده قواعد آمره بین المللی هستند، محل تردید و تأمل است، زیرا چنین عملی با هدف و موضوع این گونه معاهدات و قواعد در ناهماهنگی محض است. اما در مقابل حق شرط در معاهدات قراردادی چندجانبه مناسب و رواست.
- حق شرط در پذیرش یک معاهده، مستلزم ذکر آن در خود معاهده نیست.

شرایط پذیرش حق شرط

- شرایط شکلی
- شرایط ماهوی



۱- شرایط شکلی:

مهمترین شرایط شکلی پذیرش حق شرط این است که حق شرط باید کتباً به اطلاع دولتهای طرف معاهده و یا دولتهائی که قابلیت الحاق به آن را دارند برسد. در نتیجه حق شرط باید مکتوب و صریح باشد. شرط کتابت نه تنها در اعلان حق شرط بلکه در مورد انصراف از حق شرط نیز مساوی و جاری است.

۲- شرایط ماهوی:

به موجب ماده ۱۹ کنوانسیون وین، یک دولت هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به یک معاهده می تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند مگر در صورتیکه:

الف- معاهده حق شرط را ممنوع کرده باشد.

ب- معاهده مقرر کرده باشد که حق شرط فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست مجاز است

ج- وقتی که حق شرط با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.

شناخت اعلامیه تفسیری و تمییز آن با حق شرط

۱- تعریف اعلامیه تفسیری:

دولتها ضمن پذیرش معاهده ای (به هنگام امضا، تصویب، الحاق، تأیید یا پذیرش)، برداشت و استنباط خود را از بعضی مواد به طریق اعلامیه ای اعلام می کنند که به این نوع اعلامیه، اعلامیه تفسیری می گویند.

۲- تفاوت حق شرط با اعلامیه تفسیری:

الف) حق شرط دارای خصوصیات ویژه ای است که اعلامیه تفسیری دارای آن خصوصیات نیست. حق شرط در کلیه معاهدات قابل اعتماد نیست ولی ممکن است اعلامیه تفسیری نسبت به آن معاهدات مجاز شناخته شده باشد، مانند کنوانسیون ۱۹۸۲ راجع به حقوق دریاهای که آن معاهده اجازه صدور اعلامیه تفسیری را داده ولی حق شرط را منع کرده است.

ب) اعلامیه تفسیری یک عمل یک جانبه بدون اثر و اعتبار متقابل است. به عبارت دیگر اعلامیه تفسیری فاقد هرگونه الزام حقوقی برای دیگر دولتهای طرف معاهده است. در صورتی که حق شرط اگر از سوی یک دولت هم مورد پذیرش قرار گیرد میان آن دولت و دولت واضع حق شرط رابطه قراردادی در حدود همان حق شرط برقرار می شود. بالنتیجه میان آن دو تاثیر متقابل خواهد داشت.

ج) اعلامیه تفسیری در بسیاری از موارد خطمشی و مواضع یک دولت را مشخص می سازد و معمولاً دارای خصیصه سیاسی است. در صورتی که اعلامیه حق شرط جهت تحدید یا گسترش مفاد معاهده که خصیصه حقوقی دارد استفاده می شود و درصدد تغییر شمول مقررات معاهده نسبت به دولت شرط کننده است.

آثار معاهدات

آثار معاهدات نسبت به ثالث

- اصل نسبی بودن معاهدات: معاهدات فقط در قبال طرفهای متعاقد دارای آثار حقوقی هستند و این قاعده را اصل نسبی بودن معاهدات می نامند. مفهوم مخالف این اصل آن است که معاهدات نمی توانند غیر متعاهدین یا ثالث را ملتزم کنند.

در مجموع، استثنای اصل نسبی بودن معاهدات را می توان با توجه به نوع معاهدات تفکیک نمود: معاهدات موجد حق برای ثالث (تعهد به نفع ثالث)، معاهدات موجد تکلیف برای ثالث (تعهد به ضرر ثالث) و بالاخره آثار معاهدات طبق ساز و کارهای خاص

- معاهدات موجد حق برای ثالث:

طرفهای یک معاهده می‌توانند ثالث- اعم از کشور یا سازمان بین‌المللی را از مقررات آن معاهده بهره‌مند سازند، به شرطی که اولاً قصد آنها اعطای چنین حقی به ثالث باشد و ثانیاً ثالث با این عمل آنها موافق باشد. تا زمانی که ثالث مخالفت خود را اعلام نکرده، رضایت او مفروض است (رضایت ضمنی).

الغای حق ثالث یا جرح و تعدیل در آن نیز بدون رضایت ثالث ممکن نیست، مگر آنکه مسلم شود که قصد طرفهای معاهده آن بوده که آن حق بدون موافقت ثالث قابل الغاء یا جرح و تعدیل باشد.

– معاهدات موجد تکلیف برای ثالث

مقررات هیچ معاهده‌ای نمی‌تواند متضمن ایجاد تعهد یا تکلیفی برای ثالث باشد مگر آنکه اولاً قصد طرفهای آن معاهده چنین باشد و ثانیاً ثالث خود نیز کتباً و صریحاً انجام چنین تعهدی را بپذیرد. الغای تکلیف ثالث یا جرح و تعدیل در آن نیز بدون موافقت طرفهای معاهده و ثالث ممکن نخواهد بود.

آثار معاهدات طبق سازو کارهای خاص

اکثر این معاهدات، استثنائی بر اصل نسبی بودن معاهدات وارد نمی‌کنند، بلکه آثار ایجادشده، آثاری هستند که دارای وضعیت خاص هستند:

این معاهدات عبارتند از: معاهداتی که متضمن قید الحاق هستند، معاهداتی که متضمن قید ملتهای کامله‌الوداد هستند، معاهدات قانون‌ساز یا عام، معاهدات موسس تابعان جدید حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و بالاخره معاهداتی که توسط سازمانهای بین‌المللی منعقد می‌گردند.

معاهدات متضمن قید ملتهای کامله‌الوداد:

بعضی اوقات در معاهدات بازرگانی، کنسولی، کشتیرانی، گمرکی و معاهدات مربوط به اقامت و رفتار با اتباع بیگانه، تعارض قوانین و مالکیت صنعتی و امثال آنها، شرطی گنجانده می‌شود که به موجب آن طرفها متعهد می‌گردند، چنانچه هریک از آنها در آینده برای کشور ثالث، امتیازات بیشتری در همان موضوع قائل شوند و یا قبلاً قایل شده باشند، طرف دیگر معاهده می‌تواند بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات از آن امتیاز استفاده کند.

– عهدنامه‌های حقوق معاهدات در مورد نظام حقوقی حاکم بر قید ملتهای کامله‌الوداد سکوت کرده‌اند در نتیجه این موضوع عملاً تابع عرف بین‌المللی است.

– همانطور که در بند پیشین گفته شد، قید ملتهای کامله‌الوداد ممکن است معاهدات پیشین یا پسین را شامل می‌شود. به بیان دیگر امتیازات اعطائی هریک از طرفهای معاهده پایه به دیگری، ناشی از معاهداتی باشد که پیش از معاهده پایه منعقد شده‌اند و یا پس از آن منعقد خواهند شد (معاهدات امتیازدهنده)

– استفاده از امتیازات چنین قیدی برای کشور استفاده‌کننده تا زمانی است که معاهده امتیازدهنده پابرجا باشد.

– اختتام معاهده پایه- به هر دلیل که باشد- موجب پایان یافتن رفتار مساعدتر طرف دیگر آن معاهده- که ناشی از معاهده امتیازدهنده است می‌گردد.

– قید ملتهای کامله‌الوداد استثنائی بر اصل نسبی بودن معاهدات نیست بلکه تنها میان وضعیت ایجاد شده توسط یک معاهده و وضعیت ترجیحی که بعداً در معاهده دیگر ایجاد خواهد شد پیوند برقرار می‌کند.

معاهدات مؤسس تابعان جدید حقوق بین الملل

موجودیت یک کشور، واقعه‌ای عینی است نه یک عمل حقوقی که بتواند مبنای قراردادی داشته باشد، در هر حال کشور جدید در قبال معاهده مؤسس خود، ثالث محسوب می‌شود و حقوق و تکالیف ناشی از آن معاهده بر کشور جدید بار می‌شود.

تفسیر معاهدات

تفسیر عملی ذهنی یا عقلانی است که بر تعیین معنای عمل حقوقی مبتنی است. تفسیر ماهیت اعلامی دارد نه تأسیسی، زیرا با انجام عمل تفسیر، معنای دقیق و کامل قاعده حقوقی از قبل موجود، اعلام می‌شود. تفسیر اصولاً عطف به ماسبق می‌شود مگر در مواردی که طبق معاهده اصلی (قبل از تفسیر) عملی انجام شده و پایان یافته باشد که در این صورت، اصل (اعتبار امر مختومه) حاکم بر موضوع است.

بطور کلی صلاحیت تفسیر هر قاعده حقوقی با مرجعی است که آن قاعده را وضع کرده است. این نوع تفسیر را (تفسیر قانونی) یا (تفسیر رسمی) می‌نامند. اما چنانچه در انجام عمل تفسیر، ثالث (قاضی، داور و امثال آنها) مداخله کند، چنین تفسیری را (تفسیر اثباتی) می‌گویند.

واقعی‌ترین تفسیر تفسیری است که طبق توافق میان کلیه طرفهای معاهده انجام می‌شود. این گونه تفسیر را تفسیر جمعی می‌نامند.

اصول و قواعد مسلم تفسیر:

۱- اصل حسن نیت

۲- اصل انصاف

۳- اصل آثار مفید (Regle de l'effect Utile)

۴- آنچه نیاز به تفسیر ندارد، نباید تفسیر شود

۵- تفسیر طبق مفاهیم عادی و متداول

۶- رعایت موضوع و هدف معاهده

۷- توجه به سیاق عبارات معاهده:

سیاق عبارات علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمایم نیز می‌شود، مشتمل است بر هر گونه توافق یا سند مرتبط به انعقاد معاهده

- قاعده اساسی تفسیر، حسن نیت است

۸- اصل ایجاد حداقل تعهدات (Inodabic mitius): تعهدات بین الملل باید در جهتی تفسیر شود که حداقل محدودیت را برای کشورها ایجاد کند.

۹- اصل تفسیر به نفع کشور برخوردار از وضعیت نامساعد (contra proferentem)

- قاعده آثار مفید (Regle de L'effet utile) این اجازه را نمی‌دهد که تفسیر فراتر از متن معاهده رود.

اختتام معاهدات

معاهدات بین المللی در صورت تحقق موارد زیر خاتمه می‌یابند:

۱- بطلان معاهدات

۲- فسخ

۳- تعلیق معاهدات

۴- اصلاح و تجدید نظر در معاهدات

بطلان معاهدات:

کنوانسیون وین مقررات مربوط به بطلان معاهدات را نهائی دانسته و هیچ دلیل دیگری را جهت ابطال قابل قبول نمی‌داند. موجبات بطلان معاهدات غالباً به واسطه عیوب رضا است. عیوب رضا عبارتند از: نقض حقوق داخلی، تجاوز نماینده کشور از حدود اختیارات، اشتباه، تقلب، تصحیح نماینده کشور، اجبار و اعمال فشار بر کشور یا نماینده کشور. صرف نظر از عیوب رضا، علل دیگری نیز باعث بطلان معاهدات می‌شوند: عدم رعایت قواعد آمره - نابرابری معاهدات.

اکثر عیوب رضا به بطلان نسبی معاهده منتهی می‌شوند یعنی نسبت به طرف متعاهدی که مدعی بطلان معاهده است و در واقع تنها نسبت به کشور متضرر قابلیت استناد و اجرا دارد. اما او می‌تواند از طریق اعلام رضایت بعدی خود (تنفیذ) که به صورت صریح یا ضمنی انجام می‌گیرد، بطلان را بی‌اثر سازد. بدین ترتیب معاهدات فی‌نفسه باطل نمی‌شوند، بلکه قابل ابطال‌اند. با این حال برخی از استادان حقوق بین‌الملل معتقدند که معدودی از (عیوب رضا) خود بخود منجر به بطلان معاهده می‌شود و از سوی هر کشوری قابل استناد است و نمی‌توان چنین ابطالی را از طریق رضای موخر (تنفیذ) بی‌اثر ساخت. این معدود عیوب عبارتند از: اجبار یک کشور یا اجبار نماینده قانونی او و عدم رعایت قانون آمره - در صورتی که اشتباه به واقعیت یا وضعیتی مربوط باشد که به تصویر یک کشور در زمان انعقاد معاهده موجود بوده است و این امر مبنای اساسی رضایت وی به التزام نسبت به معاهده را تشکیل داده باشد، آن کشور می‌تواند به عنوان بی‌اعتبار بودن رضایت خود به التزام نسبت به معاهده به اشتباه استناد کند.

- اشتباهی که منحصرأً مربوط به عبارات متن معاهده می‌شود، تأثیری در اعتبار آن ندارد.

- اعمالی که متضمن تقلب هستند: صحنه‌سازی - دروغ - سکوت

- اجبار دربرگیرنده باج‌گیری - تهدید علیه جهان - نماینده دولت و یا خانواده او - تهدید علیه شهرت و مقام شخص و افشای اسرار خصوصی نیز است.

- چنانچه قرارداد صلحی بین کشور فاتح و مورد تجاوز با کشور مغلوب ولی متجاوز منعقد شود، اجبار و زوری که متجاوز را وادار به امضای معاهده کرده است، نمی‌تواند دلیل بطلان معاهده باشد. اجبار در این گونه موارد تنها ضمانت اجرائی برآن اصولی است که نقض شده است.

قاعده آمره چیست؟ در واقع قواعد آمره بین‌المللی (قواعد منع‌کننده‌ای) هستند که نقض آنها مطلقاً ممنوع است. نتیجه این که هدف از وضع قواعد آمره، عدم نقض مقررات بنیادین حقوق بین‌الملل است در حالیکه در قواعد الزام‌آور، رعایت آنها منظور است. از جمله قواعد آمره می‌توان به عدم توسل به زور، ممنوعیت کشتار جمعی - منع جنایت علیه بشریت اشاره کرد.

فسخ معاهدات

موجبات فسخ معاهدات را می‌توان به قرار زیر طبقه‌بندی کرد:

- اراده مشترک متعاهدین
- اراده یکجانبه متعاهدین
- تعارض تعهدات قراردادی
- ایجاد قاعده آمره جدید
- متروک ماندن معاهدات
- جنگ و مناقشات مسلحانه

۱- **اراده مشترک متعاهدین:** خاتمه معاهدات بنا به اراده مشترک متعاهدین به چندین صورت میسر می‌شود:

(الف) اتفاق آرای طرفین معاهده (تفاسخ)

(ب) انقضای مدت معاهده

(ج) انجام تعهدات قراردادی

(د) انعقاد معاهده جدید: معاهده مقدم می‌تواند به دو صورت صریح و ضمنی فسخ شود. در این موارد عمل فسخ اصطلاحاً فسخ نامیده می‌شود.

(ه) قید احتمالات در معاهده: به قید و شرطی اطلاق می‌شود که در صورت تحقق باعث فسخ معاهده می‌شود.

(و) قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی

۲- **لغو یکجانبه معاهده:** شرایطی که به موجب آن یکی از متعاهدین می‌تواند بطور یکجانبه معاهده را فسخ کند به قرار زیر است:

- شرط قبلی و صریح در معاهده

- جانشینی دولتها در معاهدات

- نقض اساسی معاهده

- قوه قاهره، یا فورس ماژور

- تغییر بنیادین اوضاع و احوال

فورس ماژور عبارت از مانع و حالت اجتناب‌ناپذیری که در اوضاع و احوال خاص پدید می‌آید و ناشی از رویدادهای خارجی است. اثر فورس ماژور، معافیت از مسئولیت بین‌المللی برای کشوری است که دچار حالت فورس ماژور شده است. بطور کلی، سه شرط برای فورس ماژور ذکر کرده‌اند:

- حادثه غیرقابل اجتناب باشد

- حادثه غیرقابل پیش‌بینی باشد

- حادثه ناشی از یک رویداد خارجی باشد

جانشینی دولتها در معاهدات: کنوانسیون وین عمداً به مساله جانشینی دولتها در معاهدات نپرداخته و این مساله در عهدنامه خاص تحت عنوان (کنوانسیون وین در زمینه جانشینی دولتها در معاهدات) در مورخ ۲۲ اوت ۱۹۷۸ تدوین شده است. تأثیر جانشینی کشورها بر معاهدات را می‌توان با توجه به نوع معاهدات و شکل جانشینی به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

الف) معاهدات شخصی:

آثار جانشینی برچنین معاهداتی در کلیه اشکال جانشینی کشورها به جز کشور تازه استقلال یافته، به این ترتیب است که کشور یا کشورهای جانشین، کماکان ملتزم در قبال آن معاهدات باقی خواهند ماند مگر آنکه میان آنها و سایر طرفهای معاهده به گونه دیگری توافق گردد.

در مقابل کشور تازه استقلال یافته که از بند استعمار رهایی پیدا نموده براساس دکترین (لوح مطهر) یا (لوح سپید) به معاهدات شخصی کشور پیشین متعهد و ملتزم نخواهد شد. مگر آنکه این کشور با صدور اعلامیه جانشینی، استمرار و تداوم معاهدات کشور پیشین را بپذیرد.

ب) معاهدات عینی:

به موازات معاهدات شخصی، شماری از معاهدات وجود دارند که پدیدآورنده وضعیت‌های عینی هستند، از جمله معاهدات سرزمینی و معاهدات متضمن منافع عمومی جامعه بین‌المللی و معاهدات حقوق بشری و یا بطور کلی معاهدات قانون‌ساز. معاهدات عینی در صورت وقوع جانشینی کشورها- به هر شکل که باشند- از کشور پیشین به کشور جانشین به صورت خودکار انتقال می‌یابند و در نتیجه، عمل جانشینی هیچ‌گونه وقفه‌ای در اجرای آنها ایجاد نمی‌کند و اجرایشان کماکان استمرار دارد. اما بطور استثنا سه دسته از معاهدات عینی هستند که به محض وقوع جانشینی فسخ می‌گردند آنها عبارتند از:

(۱) معاهدات مربوط به استقرار پایگاههای نظامی خارجی در کشور جانشین

(۲) معاهدات اجاره بخشی از سرزمین کشور جانشین به سایر کشورها

(۳) معاهدات واگذاری منابع طبیعی کشور جانشین به سایر کشورها

تغییر بنیادین اوضاع و احوال (Rebus sic stantibus)

چنانچه تغییر اساسی در اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده رخ داده باشد، طرفین معاهده ملزم به اجرای آن نمی‌باشند.

کنوانسیون وین در زمینه تغییر اساسی اوضاع و احوال در ماده ۶۲ خود مقرر می‌دارد:

۱- تغییر اساسی در اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده که حدوث آن توسط طرفهای معاهده پیش‌بینی نشده باشد، نمی‌تواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استفاده قرار گیرد مگر آنکه:

الف) وجود اوضاع و احوال مزبور مبنای اساسی رضایت طرفهای معاهده به التزام نسبت به معاهده باشد.

ب) در اثر این تغییر، یک دگرگونی اساسی در تعهدات که به موجب معاهده هنوز قابل اجرا هستند بوجود آید.